

## توضيح طبيعة مسألة القوامة المبنية على القراءة الأهدافية المن الفقه الأسري

طوبى شاكري كلبايكاني<sup>١</sup>

محمد فرجيه<sup>٢</sup>

سعيدة عباس زاده<sup>٣</sup>

[تاريخ الاستلام: ١٤٠١/٥/٥؛ تاريخ القبول: ١٤٠١/١١/٥ - ش]

### الملخص

توضيح "القوامة" في الموقع المفهومي الذي يُعرّف فيه في ائتلاف الزواج، هو مسألة ذات أهمية بسبب الدور الاستراتيجي له في مزدوج الحق والتكليف وتأثير ذلك في جودة علاقات الزوجين. الأدلة تشير إلى أنه على الرغم من الاهتمام العلمي بتوضيح القوامة، فإنه مازال هناك تحديات في واقع الأسرة المسلمة تتعلق به، مما يظهر ضرورة إعادة النظر واعتماد أفكار جديدة فيه. لذلك، قامت هذه الدراسة بتقديم تعريف وتحليل لطبيعة القوامة باستخدام منهج وصفي - تحليلي، وبالتأمل في الأدبيات الفقهية لهذا المفهوم، يظهر أن لا يمكن لمعرفة حقيقة الوظيفة للقوامة بشكل ذات شمول متوقع إلا من خلال قراءتها ضمن نظام موحد من الفقه الإسلامي الذي يركز على النظرية الشاملة وتوافق هذا المفهوم مع أهداف الشريعة، وتظهر من هذا المنظور أن التوضيح الموجه بناءً على منهج المقاصد، سيكون مركزاً لتطور المفهوم والفهم لهيئة القوامة.

**الكلمات المفتاحية:** القوامة، الرئاسة في الأسرة، الزواج، أهداف الشريعة

١. استاذة مساعدة في قسم الدراسات النسائية، جامعة تربية المدرس، طهران، إيران (المؤلف المسؤول)

t.shakeri@modares.ac.ir

٢. استاذ مشارك في قسم القانون والجنائيات، جامعة تربية المدرس، طهران، إيران Mohammadfarajih@gmail.com

٣. طالبة دكتوراه في الدراسات نسائية، تخصص حقوق المرأة في الإسلام، جامعة تربية المدرس، طهران، إيران

s.abaszade@modares.ac.ir

## تبیین ماهیت شناختی نهاد قوامیت مبتنی بر خوانش مقاصدی از فقه نظام خانواده

طوبی شاکری گلپایگانی<sup>۱</sup>

محمد فرجیها<sup>۲</sup>

سعیده عباس زاده<sup>۳</sup>

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۵]

### چکیده

تبیین «قوامیت» در جایگاه مفهومی که در ائتلاف زوجیت تعریف می‌شود، به دلیل نقش راهبردی آن در دوگانه حق - تکلیف و اثربخشی آن بر کیفیت روابط زوجین، مسئله‌ای دارای اهمیت است. شواهد نشان می‌دهد با وجود اهتمام علمی بر تبیین قوامیت، همچنان در واقعیت خانواده مسلمان، چالش‌هایی ناظر به آن وجود دارد که نشان از ضرورت بازاندیشی و اخذ اندیشه‌های نوین در آن دارد. بنابراین این پژوهش با اتخاذ روش توصیفی - تحلیلی، به بازخوانی ماهیت قوامیت پرداخته است و با تأمل در ادبیات فقهی آن نشان می‌دهد شناخت حقیقت کارکردی نهاد قوامیت، جز از طریق خوانش آن تحت یک نظام یکپارچه از فقه اسلامی که بر وجوه کلان‌نگری تأکید و هم‌گرایی این مفهوم را با غایت‌ها و مقاصد شریعت لحاظ نماید، از جامعیت مورد انتظار برخوردار نخواهد بود و از این دیدگاه نشان می‌دهد تبیین غایت‌گرایانه مبتنی بر رویکرد مقاصدی، کانونی بر تحول مفهومی و معناشناختی نهاد قوامیت خواهد بود.

**کلیدواژه‌ها:** قوامیت، ریاست بر خانواده، زوجیت، مقاصد شریعت.

۱.. استادیار گروه مطالعات زنان، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول) t.shakeri@modares.ac.ir

۲.. دانشیار گروه حقوق و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران Mohammadfarajih@ gmail.com

۳.. دانشجوی دکتری، مطالعات زنان، گرایش حقوق زن در اسلام، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

s.abaszade@modares.ac.ir

## مقدمه

بی تردید لازمه اداره هر نظام انسانی این است که تصویری از اهداف آن وجود داشته باشد تا حرکت و رشد در آن قابل سنجش و اندازه‌گیری باشد. هر منطق سلیمی اذعان دارد بدون توجه به اهداف، نه تنها حرکت منتفی است، بلکه توجه به جزئیات و غفلت از مقاصد و کلیات، عاملی در به مسلخ بردن مقصد و هدف است؛ از این رو نمی‌توان مطلوبیت یک پدیده را مورد سنجش قرار داد، مگر اینکه تصویری از وضعیت مطلوب و اهداف آن وجود داشته باشد. در این راستا نظام خانواده در جایگاه واحد بنیادین جامعه اسلامی، از این امر مستثنی نیست و به ناچار نمی‌توان بدون توجه به اهداف این نظام، تبیین صحیحی از نهادهای داخل در آن ترسیم کرد. از این حیث تبیین قوامیت در جایگاه مفهومی که در ائتلاف زوجیت تعریف می‌شود و در گفتمان فقهی حقوقی موجود، گستره وسیعی از عملیات حق و تکلیفی در ترابط با آن قرار گرفته است و تحلیل چگونگی کارکرد آن در دستیابی به اهداف خانواده، امری مهم به شمار می‌آید.

شواهد اجتماعی و قضایی نشان می‌دهد کارکرد مورد انتظار نهاد قوامیت در مقتضیات عصری خانواده مسلمان با چالش‌هایی روبروست؛ چراکه اغلب به دلیل انگاره‌ای که مبنی بر یکسویه بودن قوامیت در جایگاه ابزاری مردانه برای کنترل نیازهای بین زوجین ایجاد می‌کند، زمینه‌های بروز چالش، فرودستی تکلیف‌مدارانه و شائبه حداقل‌انگاری حقوق زن و اندیشه‌ای ناظر بر مردانه بودن حقوق اسلامی را پدید آورده است (بصیری، ۱۳۹۱: ص ۳۳ - ۴۷). بنابراین به نظر می‌رسد مفهوم قوامیت در حالی که می‌تواند ابزاری برای استحکام خانواده باشد، زمینه‌ای برای مصلحت‌اندیشی شخصی (نجاری و همکاران، ۱۳۹۵: ص ۱۵۳ - ۱۷۸)، نادیده‌انگاری حقوق بنیادین زن، بروز زوجیت غیرعاطفی و احتمال سوق دادن خانواده به سمت زوال شده است (روشنی و باستانی، ۱۳۸۹: ۲۴۱ - ۲۵۷) و این

سوء کارکرد بانی تفکر تساوی طلبانه در حقوق که ناظر به اندیشه‌های خارج از گفتمان اسلامی است و دامن زدن به تفکر حذف این نهاد را فراهم آورده است؛ در حالی که به یقین حکمت بی پایان شارع اقتضا دارد اراده وی از اتخاذ این مفهوم در بستر خانواده، کارکردی مؤثر و غایتی راهگشا در تعالی بخشی به روابط اعضای خانواده و استحکام بنای آن باشد. به نظر می‌رسد بخش عمده‌ای از این چالش‌ها در بنیان خود، معلول کژخوانشی‌های نظری و نقصان تبیین جامع از این نهاد به لحاظ معناشناختی و غایت‌شناختی است که از متن دیدگاه‌های نظری به بطن عرفی جامعه رسوخ کرده است و در دیالکتیک گفتمان علمی و عمل اجتماعی بازتولید می‌گردد؛ همین امر ضرورت بازاندیشی در تحلیل گزاره‌های معرفتی ناظر به قوامیت و بهره‌گیری از گفتمان‌های داعیه‌دار در انطباق‌پذیری احکام شریعت با تحولات روزآمد اجتماعی را نشان می‌هد.

از این دیدگاه یکی از گفتمان‌های فقهی - فلسفی در نظام فقه و حقوق اسلامی که با ایده غایت‌مندی شریعت، بر ضرورت هم‌سویی مجموعه احکام با مقاصد شریعت تأکید می‌کند و سازوکارهایی را در باب انطباق شریعت با تغییر و تحولات پیشنهاد می‌دهد، تئوری مصلحت است که به نام‌های رویکرد مقاصدی یا غایت‌نگر نیز شناخته می‌شود. این تئوری با انتقاد از توجه صرف به وجوه زبان‌شناختی گزاره‌های فقهی، بر انضمام وجه ترکیبی تفکر و ماهیت‌شناسی هم‌زمان لفظی - عقلانی تأکید دارد و خوانش گزاره‌ها را در سیستمی یکپارچه از شریعت که ناظر به نظام غایت‌های شارع از تشریح است، توصیه می‌کند.

این پژوهش در نظر دارد با رویکردی بنیادی و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، از طریق لحاظ وجوه عقلانی - مقاصدی در تبیین قوامیت، افزون بر وجه زبان‌شناختی آن، به شناخت ماهوی قوامیت پردازد و چشم‌اندازی بر تحول و جامعیت معناشناختی آن فراهم آورد که در ادامه بر آن استدلال خواهد شد.

## پیشینه بحث

به طور کلی اولین تفکر فرافقه‌ی در باب مقاصد و اهداف شریعت به ابوحامد غزالی و فهم تئوریک و سازمان‌یافته از آن در فقه و حقوق اسلامی به شاطبی و تئوری مقاصد گره خورده است. طرح تئوریک مقاصد که بر اندیشه غایت‌مداری شریعت اسلام بنا شده است، به‌مثابه ایده‌ای کلان و عام در فقه و مبتنی بر تأملات فرافقه‌ی فرالفظ‌مداری و فلسفی است که در درک، معناشناسی و جهت‌شناسی گزاره‌های معرفتی و درون‌فقهی اثرگذار است (شاگری، ۱۳۸۵: ص ۱۷۵). شاطبی بر این مبنا که هدف و مقصود از شریعت واحد است و آن دستیابی به مصالح انسان و سعادت اوست، به بسط نظریه خویش می‌پردازد و اذعان می‌دارد خداوند اراده کرده است قصد مکلف در عملش با قصد او از تشریح مطابقت داشته باشد (الشاطبی، ۱۹۷۵: ج ۳، ص ۲۱)؛ از این‌رو هدف رویکرد مقاصدی، کشف مقاصد عالی شریعت و تنظیم احکام جزئی در چارچوب آنهاست. در فقه امامیه نیز گرچه فقیهان بسیاری بر امکان کشف ملاک‌ها و مقاصد شریعت تأکید دارند و با عناوینی مشابهی چون «حکمت و علت»، «مذاق شریعت»، «مناط و ملاک» و حتی گاهی با عناوین صریح «مقصد و غایت» از آنها یاد می‌شود، به دلیل کارکرد استنباطی آنها، شیوه احصا و کشف مقاصد و نیز به لحاظ دیدگاه‌های فلسفی فقهی تفاوت‌هایی با نظریه یادشده دارد.

باید گفت نگرش نظام‌مند و سازماندهی مقاصدالشریعه، با تأکید بر درک چندهویت‌بودن مقولات و گزاره‌های دینی، مانع از مرکزیت‌یافتن تأملات تنها لفظ‌مدارانه شده است و بیان می‌کند که گزاره‌های دینی با وجود برخورداری از هویت لفظی - زبان‌شناختی و مبتنی بر قواعد خود، باید در افق‌های عقلانی شریعت بازخوانی شوند تا در راستای تحقق اهداف شارع کارکردگرایی داشته باشند. از مزایای این راهبرد فلسفی

- فقهی، فراهم آوردن سویه تغییر و تحولات زمانی در احکام شریعت با وجود حفاظت از اصول و مقاصد، امکان ارجاع فروع به چارچوب اصول و نیز فراهم شدن زمینه تمایل سویه خوانش فردگرایانه از نصوص به سمت معناشناسی کلان و مقاصد عام شریعت اسلامی است (شاکری، ۱۳۸۵: ص ۲۵)؛ از این رو دو جزء بنیادین تئوری شاطبی را می‌توان بر تبعیت احکام از مصالح و مقاصد ملحوظ شارع و نیز توجه به اقتضائات عصری حیات انسان استوار دانست (مسعود، ۱۹۹۸: ص ۳۳۱).

بر این اساس مقاصد شریعت، مصالحی هستند که در تشریح احکام، تحقق آنها ملحوظ شارع بوده است (ابن عاشور، ۱۴۲۵: ص ۴۹). مقاصد شریعت در نگرش اندیشمندان، ساختاربندی متنوعی یافته است؛ اما آنچه مورد وفاق جمیع متفکران اسلامی است، طبقه‌بندی آنها در سه دسته ضروریات، حاجیات و تحسینیات است (الشاطبی، ۱۹۷۵: ج ۲، ص ۷). «ضروریات» مصالح و اهدافی هستند که حفظ و تداوم آنها ضروری است و هیچ مصلحتی قادر به نفی آنها نیست؛ چراکه با نقض آنها، مصالح اجتماعی نقض می‌شود و فساد جانشین و نتیجه آن تعدی به حیات انسانی است (الفاسی، ۱۴۱۱: ص ۳۰). این مصالح به پنج مقصد حفظ دین، حفظ نفس، حفظ عقل، حفظ مال و حفظ نسل حصر شده‌اند و از طریق گزاره‌های معرفتی ناظر به احکام شریعت، مورد تأکید و حمایت قرار می‌گیرند. «حاجیات» مصالحی هستند که از حیث توسعه حیات و رفع سختی در زندگی لازم می‌باشند. «تحسینیات» مصالحی هستند که عمل به عادت‌های نیکو و اخلاق را توجیه عقلی و توصیه می‌کنند (الغزالی، ۱۹۸۲: ص ۱۷۴؛ الشاطبی، ۱۹۷۵: ج ۲، ص ۸).

بر اساس دیدگاه شاطبی از آن حیث که احکام و تکالیف شرعی برای حمایت و حفاظت از غایت‌های عالی شریعت وضع شده‌اند، می‌توان میان حقوق و تکالیف بین

زوجین که خود از مصادیق احکام شرعی محسوب می‌شوند و احصای آنها از طریق رجوع به منابع چهارگانه فقهی صورت می‌گیرد، با مقاصد و اهداف شریعت رابطه‌ای مبتنی بر امکان حفظ مصالح برقرار کرد. از این حیث امکان خوانش ماهیت این حقوق و تکالیف شرعی در ساحت مقاصد و غایت‌های شریعت خود که حفاظت از آنها از حقوق بنیادین بندگان به شمار می‌آید، وجود دارد.

### فقه خانواده و رویکرد مقاصدی

در اندیشه گفتمانی مقاصد الشریعه، توجه به خانواده از آن‌روست که از اصلی‌ترین مجاری تحقق مقاصد شریعت به شمار می‌آید؛ بدین معنا که خانواده، نهادی بنیادین است که افزون بر عهده‌داری تحقق مقاصد مختص به ذات خود، مکلف به تحقق مقاصد عام حیات امت اسلامی است (ابن عاشور، ۱۴۲۵: ص ۱۴۱). به تعبیر دیگر «مطالعه کلیه احکام و قواعد و دستورات عمل‌های مربوط به خانواده نشان می‌دهد که تمامی آنها با مقاصدی مرتبط‌اند که شارع در پی تحقق آنها در این نهاد اجتماعی است تا به نوبه خود، مقاصد عالی‌ه شرع را پیرامون هدف وجودی انسان و نقش او در حیات بشری برآورده کند» (النجار، ۲۰۱۷: ص ۵۷). از این حیث موضع رویکرد مقاصدی در حوزه خانواده پاسخ به این پرسش‌هاست که در تنظیم احکام حوزه خانواده تا چه اندازه تناسب و ترابط آنها با غایت‌ها، اهداف و مقاصد عام شریعت لحاظ می‌گردد؟ آیا احکام مستخرج ناظر به این نهاد، از اهداف و مقاصدی که ملحوظ شارع است، حمایت می‌کند یا با آن در تناقض است؟ اساساً مقاصد عام و خاص مورد توجه قانون‌گذار در باب خانواده چیست؟ و در نهایت اهداف و مقاصد چگونه بر مسائل نوظهور خانواده و انعطاف‌پذیری آنها در مواجهه با مقتضیات زمان تأثیر می‌گذارد؟ (السلمی، ۲۰۲۰: ص ۷۳۰)

بنابراین بر اساس اندیشه مقاصدی، حفظ کیان امت اسلامی که از مقاصد عام شریعت به شمار می‌آید، تنها از طریق حفظ نهادهای اجتماعی آن رخ خواهد داد که خانواده یکی از بنیان‌های اساسی آن محسوب می‌شود؛ پس با اصلاح خانواده و استقرار آن، کیان امت نیز اتفاق خواهد افتاد و تلاش برای دست‌یابی به مقاصد خانواده ناگزیر منجر به تحقق یکی از بزرگ‌ترین مقاصد آن یعنی حفظ نظام و امت خواهد شد (النجار، ۲۰۱۷: ص ۶۵)؛ از این رو در این رویکرد، تمامی احکام ناظر به خانواده در همسویی با مقاصد و اهداف شریعت سنجش و ارزیابی می‌شوند و به عبارتی در فهم گزاره‌های فقهی - حقوقی، همسویی احکام با نظام مقاصد و غایت‌های شریعت و حمایت از تحقق آنها مطمئن نظر خواهد بود؛ بنابراین بازخوانی قوامیت در جایگاه نهادی مؤثر در خانواده از این امر مستثنی نیست و شناخت ماهیت آن در این ساختار هدفمند از جمله ضرورت‌های نظری حوزه خانواده است.

### معناشناسی قوامیت در ساحت قواعد لفظ‌شناختی

از مهم‌ترین روش‌های متعارف در فهم اراده تشریحی شارع درباره یک مسئله، رجوع به گزاره‌های مبین احکام تکلیفی و وضعی است که به صورت انشایی و خبری دال بر موضوع وجود دارند. در موضوع قوامیت، از آن رو که در نص صریح قرآن کریم، گزاره‌ای معرفتی ناظر به آن موجود است، اولین و مهم‌ترین مصدر شناخت، فهم و تبیین آن، توجه به دلالت لفظی آن و تحلیل ماهیت قوامیت از طریق دلایل لفظ‌شناختی است.

خداوند در آیه ۳۴ سوره «نساء» که منبع اصلی شکل‌گیری اندیشه‌های ناظر بر مفهوم قوامیت است، می‌فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ: مردان قوام بر زنان اند، از آن رو که خداوند برخی از ایشان را بر برخی دیگر برتری داده است و از آن رو که از اموال‌شان



اتفاق می‌کنند؛ پس زنان شایسته فرمان بردارند [فروتنان‌اند] و به دلیل آنچه خدا برای آنان حفظ کرده، حافظان اسرارند».

از این حیث معناشناسی دقیق، الفاظ موجود در این آیه راهبردی مؤثر در شناخت ماهوی قوامیت است. رجوع به قواعد زبان شناختی لسان عرب نشان می‌دهد قوام از ریشه «قوم» و دارای مصدر «قیام» و مبالغه ماده «قائم» است. تتبع در کتاب‌های لغت و تفسیرهای مرتبط با آیه مورد نظر نشان می‌دهد یکی از دیدگاه‌های موجود در معناشناسی قوامیت، آن است که به واسطه توجه به عنصر «فَضَلَ اللهُ» و حرف جر «عَلَى» همراه «قَوَامُونَ»، ماهیت و معنای سلطه مرد بر زن را از قوامیت اراده نموده است که عموماً هسته اصلی این اندیشه بر تلقی قیومیت مرد، محجوریت زن و ولایت بر او متمرکز است (طبرسی، ۱۴۱۵: ج ۳، ص ۶۸؛ النجفی، ۱۲۲۷: ص ۳، ص ۱۴۷)؛ برای مثال راغب در المفردات می‌گوید چنانچه موضوع قیام شیء باشد، منظور از آن محافظت و مراعات است؛ اما چنانچه مخاطب قیام شخص قرار گیرد، قوام به معنای «اختیار امر دیگری را داشتن» و «بر دیگری مسخر بودن است» (اصفهان‌ی، ۱۴۱۲: ص ۴۱۷). ابن‌اثیر در النهایه نیز چنین معنایی را لحاظ نموده است (ابن‌اثیر، ۱۳۹۹: ج ۴، ص ۱۲۴). بر اساس این رویکرد لفظ شناسانه در تفاسیری چون طبری آورده شده است: «منظور از قوامون، حاکمان و امرا هستند و از این رو بر زنان است که به فرموده حق تعالی از شوهران خود اطاعت کنند» (طبری، [بی‌تا]: ج ۸، ص ۲۰۸). به همین سیاق شیخ طبرسی می‌فرماید: «پس از آنکه خداوند متعال فضل مردان را بیان فرمود، به دنبال برتری و الویت آنها فرمود: قوام یعنی مسلط و قیم، به واسطه اینکه خداوند مردان را از لحاظ علم، حسن تدبیر رأی و تصمیم بر زنان برتری داده است؛ بنابراین مردان قوام بر زنان هستند؛ یعنی مسلط بر آنان‌اند در تدبیر و تأدیب» (طبرسی، ۱۴۱۵: ج ۳، ص ۷۹). نیز شیخ طوسی معتقد است مردان در برابر تأدیب و تدبیر امور زنان قیم آنان‌اند؛ چراکه خداوند مردان را به لحاظ عقل و درایت در برابر زنان فزونی و برتری

داده است (طوسی، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۱۸۳). زمخشری نیز در الکشاف می‌نویسد: «قوام یعنی مردان با امر و نهی خود زنان را قیمومیت و سرپرستی می‌کنند؛ چنان‌که حکام و زمامداران و رعایا را» (زمخشری، ۱۴۰۷: ص ۲۰۲).

معناشناسی دیگری از قوامیت که بیشتر میان اندیشمندان متأخر مورد توجه قرار گرفته است، برساخت معنایی کارپردازی، عهده‌داری و تصدی امر را مورد توجه قرار می‌دهد؛ برای نمونه تعابیر کارپردازی با جدیت و همت (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۰، ص ۸۸)، اقدام به امور دیگری به تنهایی و بدون تکیه بر دیگری (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۱۸، ص ۴۵۹) و کارگزاری و خدمت‌گزاری (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۳، ص ۳۷) در تبیین مفهوم قوامیت دیده می‌شود؛ همچنین در لسان العرب، کلمه قوام «ملازم» و «محافظ» و به طور اخص به «تأمین‌کننده هزینه زنان» معنا شده و از آن به «قیم المرأة» تعبیر شده است؛ چراکه مرد به زن و تأمین نیازمندی‌های او قائم است (ابن منظور، [بی‌تا]: ج ۱۲، ص ۴۹۷). «حفاظت» و «اصلاح» نیز در تاج العروس آورده شده است (الزبیدی، ۱۴۱۴: ج ۷، ص ۵۹۶). بر مبنای این معناشناسی نیز، تفاسیری در باب شناخت ماهیت قوامیت انجام شده است که از آن جمله آیت‌الله جوادی آملی بیان می‌کند: «تعبیر قوام گویای اهمیت موضوع قیمومیت شوهر بر همسر است؛ زیرا هرگاه کار جزئی باشد، می‌گویند "به آن قیام کنید" و اگر مهم و حساس باشد، دستور می‌دهند که "به آن قوام باشید"؛ مانند حفظ قسط و اجرای عدل در محاکم دینی که کار بسیار مهمی است» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۱۸، ص ۴۵۹).

### تحلیل قوامیت در ساحت مقاصد عالی شریعت

همان‌طور که پیش از این گفته شد، نظریه مقاصد بر این فلسفه استوار است که تمام آنچه در شریعت آمده است، مبتنی بر مصلحت و حکمتی با معنای عقلایی است (جابر

العلوانی، مقاصد الشریعة: ۲۰۰۱، ص ۱۸۵). از منظر تئوری مقاصد الشریعة، تکالیف شرعی در راستای حفاظت و حمایت از مقاصد شریعت وضع شده‌اند که این امر با هدف تأمین مصالح بندگان صورت گرفته است (مسعود، ۱۹۹۸: ص ۱۵۷). به عبارتی فقه مقاصدی تلاش دارد با شناخت غایت‌های شریعت و خوانش احکام در پرتو آنها و برقراری پیوندی قاعده‌مند میان آن دو، در ایجاد فهم و ارائه ساختار نظام‌مندی از فقه و شریعت اسلامی مؤثر باشد.

از جمله مبانی گفتمان فقهی مقاصدی این است که نمی‌توان حکمی را در گستره شریعت در نظر داشت که در تناقض یا تعارض با مصالح و مقاصد کلان شریعت یا نافی آن باشد؛ از این رو در رویکرد مقاصدی تک‌تک احکام با مقاصد نسبت دارند و به تبع هر گزاره معرفتی ناظر به فقه و حقوق اسلامی برای فعلیت یافتن این مصالح و مقاصد عام شریعت عمل می‌کند؛ بنابراین هرگونه گزاره و حکم فقهی نافی مصالح و مقاصد شریعت، از مشروعیت و اعتبار عقلانی برخوردار نیست. بر این اساس شاطبی قاعده‌ای را مطرح می‌کند که عبارت است از: «التکلیف کله إما الدرء المفسد و أما الجلب المصلح أولهما معاً» (الشاطبی، ۱۹۷۵: ج ۱، ص ۳۱۶). این مبنا در جایگاه قاعده‌ای مقاصدی در ادبیات فقهی این رویکرد مورد تأکید است؛ همچنین جاسر عوده در باب تحقق این قاعده در عرصه خانواده می‌گوید: «در اسلام هر نقش یا قانونی که در رابطه با امور خانواده وجود دارد، می‌بایست برای محافظت از مصالح و تحقق مقاصد عمل کند» (ر.ک: عوده، ۲۰۱۷: ص ۱۲۱).

مبنای دیگری که گفتمان مقاصدی در بنیاد خود از آن پشتیبانی می‌نماید، توجه به حقوق بنیادین انسان است که بر بهره‌مندی بندگان از این حقوق، به واسطه جعل و تأمین مقاصد پنج‌گانه پیگیری شده است و با وضع یا اعمال هرگونه خواست و اراده‌ای که مستلزم نقض اراده شارع از احکام شریعت و به عبارتی ناقض مقاصد عالی وی و به تبع نفی مصالح و

حقوق بندگان باشد، مخالفت می‌نماید. به عبارتی حق‌های ثابت، بنیاد مشروعیت احکام شرعی را شکل می‌دهند و این امر به واسطه حکمت شارع در تأمین مصالح بندگان فراهم آمده است و از این حیث احکام مبتنی بر این حق‌ها ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. شاطبی در این باره می‌نویسد: «کل من ابتغی فی تکالیف الشریعه غیر ما شرعت له، فقد ناقض الشریعه و کل من ناقضها فعمله فی المناقضه باطل» (الشاطبی، ۱۹۷۵: ج ۳، ص ۲۷)؛ از این رو یکی از قواعد مقاصدی ناظر بر مصالح چنین عنوان شده است: «کل ما یتضمن حفظ الاصول الخمسه فهو مصلحه، و کل ما یفوت هذه الاصول فهو مفسده و دفعها مصلحه» (الغزالی، ۱۹۸۲: ج ۱، ص ۴۱۷).

مبنای دیگری که تئوری مقاصد بر آن استوار است، چنین است که باتأکید بر مطلق بودن مصالح و رد هرگونه ذهنی یا نسبی بودن مصلحت، استدلال می‌شود که از نخستین اهداف شریعت آن است که مکلفین را از استبداد خواهش‌های نفسانی خارج کند تا اینکه آنان را بنده خدا سازد و همین هدف توجه به اراده شخصی را به منزله عامل رعایت مصالح می‌داند؛ بر همین اساس هواهای نفسانی، منافع شخصی، نیل به شهوات و اغراض فردی را که موجب نسبی شدن و ذهنی شدن مصلحت می‌شود، به هیچ عنوان مورد نظر شارع ندانسته‌اند، هرچند ممکن است از نظر عرف و عادت مصلحت باشد (مسعود، ۱۹۹۸: ص ۲۶۲)؛ از همین رو غزالی معتقد است «مقاصد الشارع تعرف بالكتاب و السنه و الاجماع» (الغزالی، المستصفی: ج ۱، ص ۴۳۰) و در ادامه می‌گوید: «کل مصلحه لاترجع الی حفظ مقصود فهم من الكتاب و السنه و الاجماع، و کانت من المصالح الغربیه الی لا تلائم تصرفات الشارع، فهی باطله» (همان، ج ۱، ص ۴۳۰).

بر اساس کاربست نظری این مبانی در تبیین قوامیت به عنوان یک گزاره فقهی و شناخت وجوه همسویی این معنا با مقاصد عقلانی شریعت، می‌توان سه وجه تبیینی را در

باب تحلیل ماهیت شناسانه نهاد قوامیت مبتنی بر رویکرد مقاصدی شناسایی نمود که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

۱. چگونگی تنظیم اعمال اراده و فهم مصلحت: بر اساس مبانی گفته شده، نهاد قوامیت به دلیل برخورداری از ظرفیت اعمال اراده در حقوق افراد، از منظر این تئوری گزاره‌ای قابل توجه است؛ بدین معنا که موجه‌سازی هرگونه مداخله و اعمال اراده که مبتنی بر نهاد قوامیت انجام شود، از دو وجه قابل ملاحظه است: الف) از بعد ایجابی که به معنای مشروعیت هرگونه اعمال اراده‌ای است که در راستای حفاظت از مقاصد عالی شریعت است؛ ب) از بعد سلبی که به معنای مشروعیت نداشتن هرگونه مداخله یا اراده‌ای است که منجر به نقض یا نفی این مقاصد گردد.

بر این مبنا، هرگونه مداخله و اعمال اراده در حقوق افراد که مبتنی بر نهاد قوامیت انجام شود - با تأکید بر مطلق بودن مصلحت و نفی نسبی یا ذهنی بودن آن -، چنانچه مستلزم نقض مقاصد شریعت و به تبع نفی مصالح و حقوق بندگان باشد، پذیرفته نیست. بر این اساس اراده و خواست قوام، نمی‌تواند جز در راستای اراده و خواست شارع اعمال اختیار کند؛ بنابراین حوزه اختیارات و خواست وی محاط در اهداف و مقاصد شارع است؛ از این رو قوامیت زمانی مشروعیت و مقبولیت دارد که در کارکردگرایی خود تضمین‌کننده حفاظت از مقاصد شریعت باشد و از هر عمل در تعارض یا نافی اهداف و غایت‌های شریعت مبرا باشد.

همچنین در این رویکرد، مفهوم مصلحت معنایی نوین می‌یابد و با ترسیم چشم‌اندازی غایی، برخوردار از جهت‌گیری متعالی‌ای مبتنی بر غایت‌های عالی شریعت است که بر اساس آن می‌توان مشروعیت هرگونه کج‌اندیشی فردی در گسترش یا محدودکردن مفهوم مصلحت در نهاد قوامیت را که به موجه‌سازی هرگونه تضییع

مصالح شارع و مقاصد شریعت منجر شود، نامقبول دانست و از این حیث مشروعیت هرگونه اعمال اراده که بر اساس مصلحت‌پنداری شخصی منجر به ناهنجاری‌های اقتدارگرایانه و سلطه‌گرایانه در رابطه زوجیت گشته را منتفی دانست. شاطبی در این باره می‌نویسد: «خواست شارع بر این تعلق گرفته است که اراده و خواست مکلف در امور، با خواست شارع در تشریح مطابقت داشته باشد و هرکس در حوزه تکالیف شرعی چیزی را برخلاف تشریح بجوید، شریعت را نقض نموده است و نقض شریعت، مایه بطلان عمل است» (الشاطبی، ۱۹۷۵: ج ۲، ص ۳۸۵). این امر تا اندازه‌ای دارای اهمیت است که وجود خانواده را نیز تا زمانی توجیه‌پذیر می‌داند که به عنوان بستر حفاظت از اهداف و مقاصد نقش‌آفرینی کند؛ بنابراین «اگر اهداف - شارع از نکاح - محقق نشود، ازدواج از معنای حقیقی خود منحرف می‌شود و توافق نکاح توجیه‌ناپذیر خواهد شد» (الکاسانی، [بی‌تا]: ج ۲، ص ۳۳۵).

۲. تقویت سویه تکلیف‌مدار قوامیت در تحقق مقاصد کلان شریعت: ناظر بر مبانی گفتمان مقاصدی، نمی‌توان حکمی را در گستره شریعت در نظر داشت که ناقض یا متعارض با مصالح و مقاصد کلان شریعت یا نافی آن باشد؛ بنابراین هر گزاره معرفتی در گستره فقه و حقوق اسلامی برای فعلیت یافتن این مصالح و مقاصد عام شریعت عمل می‌کند و بر اساس این مبانی، نهاد قوامیت از این قاعده مستثنی نیست؛ همچنین از این منظر در جایگاه یک نهاد حامی مقاصد شارع و به تبع آن غایت‌های نظام خانواده تلقی می‌شود که سویه تکلیف‌مداری آن به حفظ مقاصد شریعت در ساحت خانواده مورد مطالبه شارع است؛ از این رو در این رویکرد، قوامیت نه بر مبنای حق، بلکه بر محور حق - تکلیف، فرد را کنترل رفتاری می‌کند و او را از حوزه کنش‌های خودگردان و انحصارگرایی حق طلبانه، به سمت کنشی غیرتجاوزکارانه و سلوکی هدف‌مدار و تکلیف‌مدار در تحقق مقاصد ملحوظ

شارع سوق می دهد. این گونه سوبه تکلیف مدار قوامیت را تقویت می کند که این تکلیف ناظر به مسئولیت تحقق و تحفظ از مقاصد شریعت است. برای مبنا نهاد قوامیت نه تنها عهده دار تأمین مصالح خانواده، بلکه میدان دار تحقق اهداف و مقاصد کلان جامعه اسلامی در بستر خانواده به شمار می آید.

۳. تعیین بخشی به نقش کارکردی قوامیت در فعلیت یابی حقوق بنیادین اعضای خانواده: بر اساس مبانی ثنوری غایت نگر، مقاصد شریعت با تأکید بر وجود حکمت بالغه شارع در تحقق مصالح بندگان، جعل حقوق بنیادین انسان را در ذات خود حمایت می نماید و تحقق آنها را ایجاب می کند؛ از این حیث ضمانت برخوردار افراد از این حقوق ثابت در بستر خانواده، نیازمند نهادی پشتیبان است که دارای کارکردگرایی فعلیت بخش به این حقوق اساسی باشد. این حقوق بنیادین که ذیل گفتمان مقاصدی در ساحت حفظ مصالح و ضرورت های پنج گانه - حق حفظ دین، حق حفظ نفس، حق حفظ عقل، حق حفظ مال، حق حفظ نسل و نسب - متعین می شوند، مسئولیت راهبردی نهاد قوامیت را در خصوص تحقق آنها مطالبه می کند و پاسخ گویی قوام در پیشگاه شارع، در صورت هرگونه کوتاهی، قصور یا تقصیر را محتمل می سازد.

از این حیث نهاد قوامیت حامل نقشی کارکردی ناظر به دست یابی افراد به حقوق بنیادین خود ذیل مقاصد عالی شریعت است که خود مستلزم مواجهه ای هدایت گر و زمینه ساز برای دست یابی افراد به حقوق و ظرفیت های بالقوه انسانی خود است؛ از این رو مسئولیت قوام ناظر به آن دسته از کنش هایی است که دست یابی افراد به حقوق بنیادین خود را تأمین و از آنچه این حقوق را تضییع می سازد، مبرا باشد.

در ادامه به نمونه هایی از شواهد حقوق بنیادین که ذیل مقاصد پنج گانه می تواند توسط نهاد قوامیت مورد حمایت قرار گیرند، اشاره خواهد شد.

## شواهد کارکردگرایی قوامیت در حفظ و حمایت از مقاصد شریعت

همان طور که گفته شد در تئوری مقاصد الشریعه، حفظ پنج مقصد از درجه ضرورت‌هایی برخوردارند که شامل مقصد سلامت و حفظ دین، سلامت و حفظ نفس، سلامت و حفظ نسل، سلامت و حفظ عقل و نیز سلامت و حفظ مال است که این مصالح باید از طریق احکام شریعت و گزاره‌های معرفتی حمایت شوند. شاطبی در اهمیت این مصالح معتقد است این مقاصد در هر شرایطی دارای اعتبارند و بنده در برابر اسقاط یا اختلال در آنها دارای اختیار نیست (الشاطبی، ۱۹۷۵: ج ۲، ص ۷). بر این اساس قوامیت از آن حیث که از احکام شریعت است و گستره‌ای از حقوق و تکالیف زوجین در رابطه با آن قرار می‌گیرد، می‌توان با مصادیق حق و تکلیفی آن رابطه‌ای مبتنی بر حمایت و حفاظت از مصالح و مقاصد شریعت را برقرار دانست. در ادامه به تحلیل ارتباط کارکردگرایانه این مفهوم با اهداف و مقاصد پنج‌گانه خواهیم پرداخت.

**الف) مقصد حفظ نفس:** شواهد بسیاری در نصوص دینی نشان می‌دهد حفظ نفس و حیات انسان تا چه اندازه مورد توجه ویژه شارع حکیم است. در این راستا می‌توان به تنظیم احکام متعددی چون حرمت خودکشی، حرمت آسیب‌رسانی به نفس حتی عبادات واجب مانند نماز و روزه که برای انسان مضر باشد، استحباب و اباحه برخی خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، حرمت قتل دیگری، حرمت ضرب و شتم، وجوب پرداخت دیه، حقوق ناظر به اعضای بدن و ... اشاره کرد که تأمل در مشروعیت این گزاره‌ها به روشنی نشان از ابتنای آنها بر خاستگاه ضرورت مصلحت حفظ نفس دارد. بنابراین روشن است که نفس در شرع مقدس، عزیز و گرامی است و هیچ چیز اجازه تعدی به آن را نمی‌دهد مگر آنچه از حدود که مدنظر شارع است (مائده: ۴۵). عزالدین می‌گوید: «البته که حفظ نفس به معنای صرف حفظ حیات انسان نیست، بلکه به معنای حفاظت از آن به گونه‌ای است که زندگی



شایسته و حیات کریمانه‌ای را برای انسان فراهم آورد، چنان‌که وی لایق آن است» (التوفیق، ۲۰۰۲: ص ۷۰). همد عثمان نیز مقصد حفظ نفس را در بردارنده حفاظت از سه حوزه حفظ نفس از آسیب به صورت کلی و جزئی، حفظ نفس با تأمین عوامل مرتبط با امنیت و سلامت و حفظ نفس با تأمین کفایات لازم معرفی می‌کند (همد عثمان، ۲۰۱۵: ص ۱۰۸).

براین اساس بنا بر ظرفیت مقاصد در روزآمدی احکام شریعت و انطباق آن با مقتضیات عصر، می‌توان گفت مقصد حفظ نفس از آن رو که انسان تنها جسمی مادی نیست، بلکه دارای موجودیتی معنوی، روانی و جسمی است، حفاظت از وی تنها از طریق حفظ تمامی از جوانب محقق خواهد شد (عطیه، ۲۰۰۳: ص ۱۴۳). بنابراین مقصد حفظ و سلامت نفس برخوردار از وجوه متعددی همچون سلامت جسمی، سلامت روانی، سلامت اجتماعی و سلامت معنوی است (ر.ک: منشور حقوق و مسئولیت‌های فردی، اجتماعی، خانوادگی و اجتماعی زن، شورای عالی انقلاب فرهنگی)؛ پس در هر یک از این شئون، حقی برای انسان در حفاظت و مصونیت نفس از آسیب متصور خواهد بود و زمانی که این مصونیت و سلامت متعلق حق قرار گیرد، مفهومش این خواهد بود که افراد در برابر قرارگرفتن در موقعیتی رفاهی که بتوانند از سلامت جسمی، روانی، معنوی برخوردار باشند، دارای حق خواهند بود و باید چنین وضعیتی را برای آنها ایجاد نمود (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰: ص ۷۶).

بر این اساس قوامیت در جایگاه نهاد قائم بر حفاظت از مقاصد شریعت در بستر خانواده، عهده‌دار پیگیری تمامیت تحقق مقصد حفظ نفس است و در جایگاه نهادی کارکردگرا، نه تنها باید برای حفظ این مقصد درون خانواده عمل نماید، بلکه خود از اعمال هرگونه تجویز، رفتار یا اراده خلاف تحقق این مقصد مبرا باشد. بر این مبنا، قوام در بعد ایجابی و سلبی، مسئول زمینه‌سازی برای تحقق ابعاد مختلف سلامت و حفاظت از نفس افراد خانواده و به‌ویژه در رابطه زوجیت است.

این مقصد ممکن است متناسب با اقتضائات عصری، نیازهای متفاوتی را پوشش دهد که از آن جمله حق برخورداری از ضرورت‌های مراقبت از "سلامت جسمی" مانند برخورداری از تغذیه مناسب، تفریحات سالم و امکان ورزش، عدم تعدی به جسمانیت همسر، حق برخورداری از مؤلفه "سلامت روانی" و ابعاد آن همچون آرامش ذهنی، احساس کفایت و توانمندی، احساس استقلال و نیز حمایت از "سلامت اجتماعی" همسر با مؤلفه‌هایی چون امکان برخورداری وی از روابط شبکه خویشان و دوستان، امکان توسعه مهارت‌های ارتباطی مشروع، احساس مشارکت در تصمیم‌ها خواهد بود و این همه می‌تواند از شاخصه‌های سنجش توفیق نهاد قوام در دست‌یابی به اهداف شریعت باشد. از این منظر مشروعیت گزاره‌های فقهی همچون عدم امکان ملاقات زوجه با والدین در صورت عدم رضایت زوج یا تمکین از استمتاعات جنسی شوهر در هر شرایط روحی یا روانی و ...، ضرورت تأمل دارد؛ چراکه مطابق با نص قرآن کریم نیز یکی از اهداف ذاتی زوجیت در رسیدن به سکن و آرامش (روم: ۲۱) است و معاشرت به معروف (نساء: ۱۹) را از لوازم تحقق آن می‌داند.

ب) مقصد حفظ عقل: با رجوع به قرآن کریم در جایگاه اصلی‌ترین منبع نظام معرفتی اسلام، به روشنی می‌توان دریافت تأکید بر تفکر و تعقل تا چه اندازه مورد توجه شارع است؛ به گونه‌ای که انسان اعم از زن و مرد همواره در جایگاه فهمنده امور عقلانی، مورد خطاب‌های شارع قرار داشته‌اند و همواره توصیه به تعقل (انبیاء: ۱۰)، تفکر (نحل: ۴۴)، تدبیر (محمد: ۲۴)، پرسشگری (نحل: ۴۳) و کسب علم و آگاهی (مجادله: ۱۱، زمر: ۹) شده است؛ نیز به واسطه گزاره‌های سلبی همچون حرمت استفاده از هرچه عقل را زایل می‌کند (مائده: ۹۰)، از تضرر به این نعمت مهم منع شده‌اند و نیز از پذیرش هرچه مبنای

عقلانیت ندارد، انسان برحذر داشته شده است (اسراء: ۳۶). این همه به روشنی نشان از اهتمام شارع حکیم به حمایت از بنیان عقلانیت دارد؛ چراکه عقل مناط مسئولیت انسان است که به آن کرامت می‌دهد و بر دیگر مخلوقات فضیلت می‌یابد و سرچشمه قیام وی بر خلافت در زمین و حمل امانت الهی است (میرزاعلی، ۱۴۳۳: ص ۱۷۶)؛ از این رو برخورداری انسان از زمینه‌ها و سازوکارهای حفظ، توسعه و به فعلیت رساندن خردمندی، عقلانیت و تفکیر از حقوق بنیادین وی به شمار می‌رود که در ساحت تحقق مصلحت و مقصد حفظ عقل تعین می‌یابد.

بر این مبنا هیچ اراده‌ای اعم از نهاد قوامیت، نمی‌تواند برخلاف این مقصد شریعت، زمینه‌های کمال عقلانی بنده‌ای را از بین ببرد یا در مسیر آن خلل و خدشه‌ای وارد نماید، بلکه قیام و اهتمام بر شئون متعدد تحقق این مقصد که شامل حق برخورداری از سازوکارهای تحصیل دانش، زیست علمی و کسب آگاهی، امکان توسعه مهارت‌های فکری و علمی، بهره‌مندی از شرایط تولید فکر و دانش که از حقوق اولیه و طبیعی هر انسان محسوب می‌شود، بر عهده اوست. بنابراین سویه تکلیف نهاد قوامیت در تحقق این مقصد در ساحت خانواده، بر مسئولیت او در خصوص رشد و تعالی عقلانی اعضای خانواده، به‌ویژه همسر ضروری و پاسخ‌گویی او در پیشگاه شارع در صورت هرگونه کوتاهی، قصور یا تقصیر محتمل است. از این منظر، قوامیت نهادی احیاکننده است که شکوفاسازی عقلانی تک‌تک جامعه امت اسلامی، از قبیل میدان‌داری شایسته آن در بستر اولین واحد بنیادین جامعه اسلامی یعنی خانواده مسلمان شکل گرفته است و برای غایت اعلاّی جامعه اسلامی که همانا تحقق وجوه خلیفه‌اللهی انسان است، هدایت می‌شود (العلوانی، ۲۰۱۳: ص ۱۲۸).

ج) مقصد حفظ دین: دکتر عطیه با استناد به سنت تمامی پیامبران در قرآن می‌گوید: «تمامی رسولان در مسیر رسالت خود، ابتدا اهتمام به دعوت از نزدیک‌ترین افراد به خود بوده است که شامل خانواده اعم از همسران و فرزندان‌شان است و سپس درخواست از خداوند متعال برای هدایت آنها؛ از این رو مقصد حفظ تدین در خانواده و استمرار آن در نسل‌های بعدی یکی از اهداف خانوادگی در مبانی اسلام به شمار می‌آید...؛ بنابراین مقصد حمایت از دین و انطباق با آن در بستر خانواده یکی از مهم‌ترین مقاصد شریعت است که منجر به تحقق عبودیت حق تعالی و رشد و تربیت فرزندان بر اساس اطاعت از خداست. برای تحقق این هدف، احکامی ناظر به مسئول خانواده در هدایت اعضای خانواده توسط وی مبتنی بر آیه «وامر اهلک بالصلاه و اصطر علیها (طه: ۱۳۲) آورده شده است» (البلوشی و همکاران، ۲۰۱۹: ص ۱۱۲). وی تحقق این مقصد در بستر خانواده را بر حفظ و استمرار تدین در خانواده تعبیر می‌کند (الجیلالی، ۲۰۱۳: ص ۱۶۸).

بر این اساس برخورداری از امکان حفظ دیانت و توسعه معنویت در قالب مقصد حفظ دین در خانواده ایجاب می‌کند که مسئول نهاد قوامیت با اتخاذ کنش‌های سنجیده و همسو با این غایت و سازماندهی امور مورد نیاز به فعلیت آن اقدام کند؛ از این رو حقوق اساسی ناظر به تحقق این مقصد همچون حق دینداری، حق اطلاع‌یافتن از دین، تحصیل احکام و معارف دینی، حق ادای فرایض دینی و عبادی، حق بهره‌مندی از فضای مناسب دینی و در مقابل ممانعت از آسیب‌پذیری تدین افراد خانواده و فراهم آوردن شرایط دین‌باوری ذیل این مقصد از شرایط نهاد قوامیت خواهد بود.

د) مقصد حفظ مال: شریعت اسلامی از مجرای تشریح احکام گسترده در حوزه امور مالی نشان داده است که مقصد حفظ مال از مهم‌ترین نقاط مورد حمایت وی است؛

احکامی چون منع فعالیت‌های اقتصادی ویران‌کننده سلامت جامعه همچون ربا و احتکار، به رسمیت دانستن حق مالکیت و تسلط بر اموال برای افراد، حرمت سوءاستفاده از حق مالی دیگران در احکامی چون غبن، تدلیس و سرقت، رفع تبعیض‌های اقتصادی از طریق اعطای حق مساوی به تک‌تک مردم از ثروت‌های جامعه، تأکید فراوان بر تحصیل مال مشروع و بسیاری از احکام دیگر، همگی بیان‌کننده اهتمام بالغ شارع بر مصلحت حفظ مال دارد.

رویکرد مقاصدی که حفظ مال را از حقوق اساسی بندگان و از مقاصد ضروری شریعت می‌داند، برخورداری از کلیه حقوق مرتبط با آن برای تمامی افراد جامعه موجه‌سازی می‌شود (ر.ک: نساء: ۳۲)؛ بنابراین مداخله نهاد قوامیت در جایگاه نهاد میانجی در مصونیت از مقصد حفظ مال در بستر خانواده و به‌ویژه در رابطه زوجیت، عبارت خواهد بود از قیام برای تأمین حداکثری حقوق مالی زوجه و برخورداری وی از کلیه ابعاد حقوق روزآمد اقتصادی همچون مالکیت مستقل، آزادی تصرف در اموال، مدیریت امور مالی و حراست از اموال، امکان برخورداری از معاملات مدنی و قراردادها، حق برخورداری از تحصیل مال حلال و بهره‌مندی از شرایط کار، برخورداری از سواد مالی، حق توسعه منابع مالی و ...

مسئولیت قوام در برخورداری زوجه از حقوق مالی برای تحقق مقصد حفظ مال، از ضرورت‌های نهاد قوامیت به شمار می‌آید؛ مگر آنکه عمل او نقض یا نفی مقصد دیگری را به دنبال داشته باشد. از این منظر حق اشتغال یا حق کسب مال همچون سایر حقوق اساسی حقی طبیعی شناخته می‌شود، مگر آنکه دیگر شئون مقاصد و اهداف رانفی یا نقض‌کنند به عبارتی مصلحت حفظ مال، تابعی از مصالح دیگر است (شاطبی، ۱۹۷۵: ج ۲، ص ۲۰۰)؛ از این‌رو در شریعت از حفظ اموال فرد در مقابل شخصی که در معرض تلف است و حفظ

نفس او در مخاطره است، حمایت نمی‌شود و در واقع می‌توان گفت حق مالکیت تا زمانی معتبر است که حافظ شئون انسانی فرد و کرامت الهی وی باشد؛ بنابراین حق مالکیت و حوزه تصرفات آن را حفظ مصالح دیگر کنترل یا تعدیل می‌کند. بنابراین حقوق مالی می‌تواند به نفع تحقق دیگر مصالح ضروری مورد تحدید قرار گیرد؛ از این رو چنانچه اشتغال به شغلی که در تناقض با مصلحت حفظ دین (مانند کراهت معامله مقارن بانماز) یا مصلحت حفظ عقل (مانند حرمت اکتساب به خمر) است یا نافی مصلحت حفظ نسل (مانند حرمت رابطه جنسی نامشروع) باشد، می‌توان در مشروعیت آن خدشه وارد کرد.

هـ- مقصد حفظ نسل و نسب: بیشتر علمای شریعت متفق اند یکی از مقاصد اساسی نکاح، محافظت بر حفظ نسل و نوع بشر است (ر.ک: غزالی، ۱۹۸۲: ج ۲، ص ۴۰؛ شاطبی، ۱۹۷۵: ج ۲، ص ۱۳۲). رجوع به آیات قرآن کریم نشان می‌دهد شارع حکیم از طریق ابزاری چون خلقت غریزه جنسی، آفرینش غرایز مادری و پدری در تحمل سختی‌های فرزندپروری و نیز با طرح کلان مفهوم حرث، چگونه بستر استمرار و تداوم نسل انسانی را پیگیری می‌کند؛ همچنین تحقق این هدف را با احکام و وسایل متعددی از جمله تنظیم روابط جنسی در چارچوب نکاح مشروع، منع سایر اشکال روابط زن و مرد، محافظت از فروج، منع از اختلاط، مسئولیت‌های ناظر بر حضانت و نفقه و تربیت فرزند و... بر طهارت نسل و اصالت نسب تأکید می‌کند (ر.ک: اسراء: ۳۲؛ نحل: ۷۲؛ کهف: ۴۶)؛ چراکه تداوم نسل صالح بشر است که همسو با غایت‌های اعلاّی شارع حکیم از آفرینش انسان است که تحقق وجوه خلیفه الهی انسان را که مبتنی بر تکریم الهی انسان است را استمرار داده و محقق می‌کند (العلوانی، ۲۰۱۳: ص ۱۰۸).

روشن است که اگرچه دیگر مقاصد پنج‌گانه ضروری، می‌توانند بسترهای متعددی برای حفاظت و پیگیری داشته باشند؛ اما در تحقق مقصد حفظ نسب و نسل، خانواده

کلیدی‌ترین نقش را ایفا می‌کند و در این راستا نهاد قوامیت نیز در تحقق این مقصد مسئولیت و کارکردگرایی بنیادینی دارد. بنابراین نهاد قوامیت در باب مصونیت از این مقصد، مسئولیت اهتمام به حقوق و تکالیفی همچون حق حمایت مادی، معنوی و روانی از زوجه در دوران بارداری و پس از آن، تأمین بسترهای طیب برای فرزندپروری صالحانه، حق مصونیت زوجه از اجبار و الزام به عدم بارداری یا اسقاط جنین غیرمشروع، منع به‌کارگیری ابزار و شیوه‌های نامشروع در روابط جنسی، حق تأمین معاش طاهر و مشروع در خانواده و قیام بر آن است؛ از این رو هرگونه عمل یا اراده‌ای که مستلزم نقض این امور گردد، از حیث اعتبار و مشروعیت خدشه‌پذیر است.

## نتیجه

این پژوهش نشان داد دست‌یابی به جامعیت موردنیاز در تبیین نهاد قوامیت و برخورداری آن از کارکردگرایی استحکام‌بخش در بستر خانواده مسلمان، نیازمند اهتمام نظری بیشتر به تأملات نظام‌مند از فقه و حقوق اسلامی است که بر ضرورت توسعه خاستگاه‌های ماهیت‌شناختی گزاره‌های دینی از سطوح زبان‌شناختی به سمت لحاظ دیگر وجوه تفکر و نیز بر همسویی گزاره‌ها با مصالح و مقاصد عقلانی شریعت تأکید دارد؛ از این رو مدعی است اتخاذ کاربست نظری رویکرد مقاصدی، می‌تواند شناخت ماهیت قوامیت را از تحوّل معنانشناختی برخوردار کند؛ بدین ترتیب که این تأثیر در بعد اول، ناظر بر چگونگی تنظیم اعمال اراده و فهم مصلحت؛ دوم ناظر به تعین بخشی به نقش کارکردی قوامیت در فعلیت‌یابی حقوق بنیادین اعضای خانواده و در وجه سوم مؤثر در تقویت سویه تکلیف‌مدار این نهاد برای تحقق مقاصد کلان شریعت اسلامی است.

## کتابنامه

### قرآن کریم

آدم محمد، همد عثمان (۲۰۱۵ م)؛ «اصلاح المجتمع فی منظور مقاصد الشریعه الاسلامیه»؛ رساله مقدمه لنیل درجه الدكتوراه وفق اصول الفقه، جامعه السودان للعلوم و التكنولوجيا، معهد العلوم و البحوث الاسلامیه.

ابن منظور، محمد بن مکرم [بی تا]؛ لسان العرب؛ بیروت: دار التراث.

ابن اثیر، مجدالدین (۱۳۹۹ ش)؛ النهایه فی غریب الحدیث؛ بیروت: المكتبة العلمیه.

التوفیق، محمد عزالدین (۲۰۰۲ م)؛ التأسیل الاسلامی للدراسات النفسیه؛ قاهره: دار السلام.

البلوشی، احمد، ناصر عیسی، قاسم النهاری، امین احمد عبدالله و رضوان بن احمد (۲۰۱۹ م)؛ «مقاصد تکوین الاسره فی الشریعه الاسلامیه: درسه تاصیلیه»؛ مالزی: دانشگاه ملایا.

بصیری، حمیدرضا (۱۳۹۱ ش)؛ «سوء استفاده از سمت ریاست بر خانواده»؛ خانواده پژوهی، سال ۸، ش ۲۹.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ ش)؛ تسنیم؛ قم: نشر اسراء.

الجيلالی، عشیر (۲۰۱۳ م)؛ «مقاصد الشریعه الاسلامیه و دورها فی ارساء قواعد حقوق الانسان»؛ مجله علمیه محکمه، السنه السابعه، العدد ۱۴.

حسینی طهرانی، سید محمد حسین [بی تا]؛ رساله بديعه فی تفسیر "الرجال قوامون علی النساء...؟" [بی جا]: [بی نا].

حکمت نیا، محمود (۱۳۹۰ ش)؛ حقوق و مسئولیت های فردی و اجتماعی زن؛ تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

اصفهانى، راغب (۱۴۱۲ ق)؛ المفردات فی غریب القرآن؛ بیروت: دار العلم.

روشنی، شهره، سوسن باستانی و محمود گلزاری (۱۳۸۹ ش)؛ «طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی»؛ بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، ش ۳.

الریسونی، احمد (۱۳۷۶ ش)؛ اهداف دین از دیدگاه شاطبی؛ ترجمه: حسن اسلامی و محمد علی ابهری؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.



الزبيدي، سيد مرتضى (۱۴۱۴ ق)؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ بيروت: دار الفكر.  
زمخشري، محمود بن عمر (۱۴۰۷ ق)؛ الكشف من حقائق غوامض التنزيل و عيون الاقويل في وجوه  
التأويل؛ تهران: نشر بلاغت.

السلمي، ماجد بن خليفه (۲۰۲۰ م)؛ «مقاصد الشريعة و اثرها في احكام الاسره، كلية الدراسات الإسلامية  
والعربية للبنات بالإسكندرية (جامعة الأزهر)»؛ المجلد الرابع من العدد السادس والثلاثين لحولية.  
الشاطبي، إبراهيم بن موسى اللخمي (۱۹۷۵ م)؛ الموافقات في أصول الشريعة؛ تحقيق: محمد عبدالله  
دراز؛ بيروت: دار المعرفة للطباعة و النشر.

شاكري گلپايگانی، طوبى (۱۳۸۵ ش)؛ سياست جنایى اسلام؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامى.  
شمس الدين، محمد مهدي (۱۴۱۵ ق)؛ مسائل حرجه في فقه المرأة؛ بيروت: مؤسسه الدوليه للدراسات  
و النشر.

طباطبايى، سيد محمد حسين (۱۴۱۷ ق)؛ الميزان في تفسير القرآن؛ قم: دفتر انتشارات اسلامى.  
طبرى، محمد بن جرير [بى تا]؛ تفسير طبرى؛ ج ۸، قاهره: دار المعارف.

طبرسى، فضل بن حسن (۱۴۱۵ ق)؛ مجمع البيان في تفسير القرآن؛ بيروت: مؤسسه الاعمى للمطبوع.  
طه العلوانى، زينب (۲۰۱۳ م)؛ الاسره في مقاصد الشريعة؛ بيروت: المعهد العالمى للفكر الاسلامى.  
عطيه، جمال الدين (۲۰۰۳ م)؛ نحوه تفعيل مقاصد الشريعة؛ دمشق: دار الفكر، المعهد العالمى لفكر الاسلامى.  
الطوسى، محمد بن حسن (۱۴۰۹ م)؛ البيان في تفسير القرآن؛ قم: نشر مكتب الاعلام اسلامى.

العاشور، محمد طاهر بن محمد (۱۴۲۵ ق)؛ مقاصد الشريعة الإسلامية؛ قطر: وزارة الاوقاف والشئون الاسلاميه.  
العلوانى، طه جابر (۲۰۰۱ م)؛ مقاصد الشريعة؛ بيروت: دارالهادى  
عوده، جاسر (۱۴۳۲ ق)؛ مقاصد الشريعة كفسلفه للتشريع الاسلاميه: رؤية المنظومية؛ ترجمه خياط  
عبد اللطيف، ويرجينيا: المهده العالمى للفكر الاسلامى

الغزالي، ابو حامد محمد بن محمد (۱۹۸۲ م)؛ احياء علوم الدين؛ بيروت: دار المعرفة.  
الغزالي، ابو حامد محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق)؛ المستصطفى في علم الاصول؛ بيروت: دار الحكمة العلميه  
الفاسى، علال (۱۴۱۱ ق)؛ مقاصد الشريعة الاسلاميه و مكارمها؛ بيروت: دار الغرب الاسلامى.

- فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ ق)؛ تفسیر من وحی القرآن؛ بیروت: دار الملائک.
- فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۲۱ ق)؛ تأملات اسلامیة حول المرأة؛ بیروت: دار الملائک.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۵۲ ش)؛ تفسیر احسن الحدیث؛ قم: بنیاد بعثت.
- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد (۱۴۲۰ ق)؛ التفسیر الکبیر؛ بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- الکاسانی، علاء الدین [بی تا]؛ بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع؛ بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مدرسی، سید محمد تقی (۱۴۱۹ ق)؛ من هدی القرآن؛ تهران: دار محبب الحسین.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ ش)؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مسعود، محمد خالد (۱۹۹۸ م)؛ فلسفه حقوق اسلامی در نگاه شاطبی؛ مترجم: محمدرضا ظفری، فخرالدین اصغری آغمشهدی؛ قم: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، بوستان کتاب.
- المغنیة، محمد جواد (۱۴۲۴ ق)؛ التفسیر الکاشف؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- میرزاعلی، بی بی آسیه (۱۴۳۳ ق)؛ مقصد حفظ الاسره و وسائله؛ مالزی: جامعه المدینه العالمیه، کلیه العلوم الاسلامیه، قسم الفقه و الاصول.
- النجار، عبدالمجید (۲۰۱۷ م)؛ مقاصد الشریعة فی احکام الأسرة (توجیها لأحكام الأسرة المسلمة في الغرب)؛ [بی جا]: المجلس الأوربي للإفتاء والبحوث.
- النجار، عبدالمجید (۲۰۰۸ م)؛ مقاصد الشریعة بابعاد جدیده؛ بیروت: دار الغرب الاسلامی.
- نجاری، محمد حسن و شهناز وزیری پور (۱۳۹۵ ش)؛ «شیوه های پیشگیریانه سوء استفاده زوج از حقوق خود»؛ فقه و حقوق خانواده، سال ۲۱، ش ۶۴.
- النجفی، محمد بن حسن (۱۲۲۷ م)؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ ج ۳۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی